حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#اتوبان فتح_آسفالت
اسکندری از تهران:
وضعیت آسفالت اتوبان فتح با وجود تردد فراوان نامناسب است و البته بلوار وسط و کناری آن نیز نیاز به رسیدگی دارد.

 # پارک_دوبل
زندی از تهران:
پارک دوبل خودروها در میدان قدس (قلعه حسن‌خان) باعث ترافیک و کندی تردد خودروها می‌شود و متاسفانه هیچ افسر راهنمایی و رانندگی نیز در این خیابان حضور ندارد.

 # تاکسی_بیمه
کرمی از پاکدشت:
بیش از سه سال است که برای بیمه تامین اجتماعی رانندگان تاکسی اقدام کرده‌ام، ولی هیچ کاری از سوی مسؤولان صورت نگرفته است. چرا؟

 # آجیل_قیمت
رفعتی از تهران:
چرا قیمت خشکبار با توجه به کاهش تقاضا و افزایش تولید در سال جدید روند کاهشی پیدا نمی‌کند؟

 # تره‌بار_زوج و فرد
قربانی از تهران:
ورودی خیابان شهدا از سمت بعثت که میدان تره بار نیز در آن مکان وجود دارد، مشمول طرح زوج و فرد است و متاسفانه شهروندان با خودرو نمی‌توانند برای خرید به میدان تره‌بار مراجعه کنند. شهرداری محترم اقدام اساسی کند.

 # خودرو_وعده
پیری از تهران:
از وعده تا عمل! برای ارزان کردن خودرو و لوازم یدکی که دلالان در بازار حسابی می‌تازند دولت چه برنامه‌ای دارد؟ تاکنون که همه اهداف دولت با شکست مواجه شده است.

 # دست‌انداز_اتوبان
شوقی از تهران:
اتوبان امام علی(ع) از جنوب به شمال دست‌اندازهای فراوانی دارد که علاوه بر افزایش احتمال تصادف، باعث صدمه زدن به خودروها نیز می‌شود.

 # رکود_مسکن
زکایی از تهران:
بعد از گرانی و رکود در تولید مسکن، بیشتر مشاغل وابسته به آن درحال نابودی است و بیکاران این بخش در حال افزایش هستند.

 # حمل و نقل_عمومی
معینی از تهران:
مدیران شهری کرایه حمل و نقل عمومی را افزایش داده‌اند، این درحالی است که شهروندان با مشکلات مالی زیادی رو به روهستند. مسؤولان فقط کرایه ها را بالا می برند کاش آنها برای بهبود اتوبوس و مترو نیز تلاش می‌کردند.

عکس: نازنین کاظمی نوا/ جام جم

بسیاری از جنگلبانان نگران تمدید نشدن قراردادهایشان هستند

تبر به ریشه جنگل رسید

لیلا مرگن
جامعه

بیش از ۲۲۰۰ نفر از نیروهای حافظ جنگل که براساس قانون تنفس (توقف بهره‌برداری تجاری از جنگل‌های شمال) برای تامین هزینه خدمات دهی آنها بودجه ۸۰ میلیارد تومانی در نظر گرفته شده بود، در آستانه بیکاری قرار دارند. دو دهه پیش، سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، در راستای کاهش وظایف تصدیگری خود از حضور بخش خصوصی در مدیریت جنگل استفاده کرد. ساختارهای بخش خصوصی متناسب با خواست بخش دولتی شکل گرفت و سرمایه‌گذاری‌هایی برای تربیت نیروی ماهر جنگل توسط بخشی از شرکت‌های بزرگ و کوچك انجام فعالیت‌های وابسته به جنگل انجام شد.

پیش از روی کار آمدن خلیل آقایی، رئیس فعلی سازمان جنگل‌ها، قرار نبود در ترکیب نیروهای حفاظتی جنگل‌های شمال که در شرکت‌های مختلف مشغول به کار بودند، تغییری ایجاد شود اما رئیس فعلی سازمان جنگل‌ها به‌تازگی دستور عدم تمدید قرارداد حفاظتی بخش خصوصی را صادر کرده است. علی عباس‌نژاد، فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها می‌گوید می‌خواهیم این نیروها را تحت پوشش شرکت‌های دارای صلاحیت ببریم، اما نیروهایی که در سازمان جنگل‌ها به نیروهای طرحی شهرت یافته و بار حفاظت از جنگل را به دوش می‌کشند، تغییر کارفرما را عامل تضییع حقوق خود معرفی می‌کنند. دو سالی از تصویب قانون تنفس جنگل‌های شمال می‌گذرد، اما هنوز طرح جایگزین برای مدیریت جنگل ارائه نشده است. تصمیمات خلق‌الساعه مسؤولان سازمان جنگل‌ها و بی‌توجهی به تبعات اجتماعی نیز در حال تبدیل شدن به یك بحران اجتماعی و اقتصادی در شمال کشور است، زیرا با بلاتکلیف شدن نیروهای حفاظتی، از یك سو قاچاق چوب در جنگل‌های شمال به‌شدت افزایش یافته است و از سوی دیگر، بخشی از نیروهای حافظ جنگل که با وعده‌های دولت در قالب طرح خروج دام از جنگل، به عنوان نیروی حفاظتی در خدمت جنگل قرار گرفته‌اند، حاضر نیستند تن به حقوق‌های حداقلی داده و با پیمانکار حفاظتی جدید وارد همکاری شوند. آنها با توجه به قیمت بالای گوشت در بازار، تصمیم دارند بار دیگر به عنوان دامدار جنگل باز گردند. در شرایطی که سیل بخش وسیعی از ایران را درگیر کرده و حذف پوشش گیاهی یکی از دلایل مهم سیلاب‌ها و تشدید فرسایش خاك عنوان می‌شود، بی‌برنامگی و تغییر یکباره سیاست‌های سازمان جنگل‌ها، حیات جنگل‌های شمال به عنوان مهم‌ترین سد در مقابل سیلاب‌های این منطقه را به خطر انداخته است.

دستورات یك طرفه و از بالا به پایین مسؤولان سازمان جنگل‌ها، در حال شکل دادن بحرانی دیگر است. از ابتدای اردیبهشت ماه به دستور خلیل آقایی، قرارداد حفاظتی شرکت‌های بهره‌برداری سابق که حالا با تصویب قانون تنفس جنگل، تبدیل به شرکت‌های حفاظتی شده‌اند، تمدید نخواهد شد و قرار است براساس سطح جنگل، قراردادهای جدید منعقد شود. اما کسی نمی‌داند چه در سر مسؤولان سازمان جنگل‌ها می‌گذرد. نیروهای حافظ جنگل در استان گلستان اولین گروهی هستند که تحت تاثیر این دستور رئیس سازمان جنگل‌ها قرار گرفته‌اند. در سه استان شمالی ۲۲۰۰ نیروی حفاظتی وجود دارند که با دستورات اخیر، بلاتکلیف مانده‌اند و بیکاری آنها قطعا به ضرر جنگل تمام خواهد شد. به‌دنبال اخراج شدن یکباره ۵۰۰ نفر از نیروهای حافظ جنگل در استان گلستان، نماینده مردم مینودشت و آزادشهر تذکر کتبی به وزیر جهاد کشاورزی داد، اما مسؤولان سازمان جنگل‌ها، در واکنش به این انتقادات فقط به این پاسخ بسنده می‌کنند که قصد اخراج هیچ نیرویی را نداریم. پاسخی که به‌هیچ‌وجه با واقعیت‌های موجود همخوانی ندارد.

قربانی شدن مهارت

دو دهه قبل سازمان جنگل‌ها تصمیم گرفت در راستای کاهش وظایف تصدیگری خود از حضور بخش خصوصی در جنگل استفاده کند. نیمی از جنگل‌های دارای چوب تجاری که تحت پوشش طرح‌های جنگلداری بودند، به بخش خصوصی واگذار شد و بنگاه‌های خصوصی پذیرفتند در ازای درآمدهای حاصل از چوب، حفاظت جنگل را که وظیفه حاکمیتی سازمان جنگل‌هاست به عهده بگیرند. بخش خصوصی همواره از تغییرات یکباره سیاست‌های دولت که منجر به زیان بنگاه‌های خصوصی می‌شود، گله‌مند است اما این بار پای اشتغال ۲۲۰۰ نفری در میان است که تاکنون بار حفاظت جنگل را به دوش می‌کشیدند، اما در معادلات سازمان جنگل‌ها در زمان تصویب طرح تنفس، جایی برای آنها در نظر گرفته نشد. بخشی از نیروهای طرحی یا همان حافظان جنگل که شامل کارشناسان و نیروهای اداری و قرقبانان برخی شرکت‌های بزرگ بودند، در استان مازندران نشستی ترتیب دادند تا مسائل و مشکلات خود را به خبرنگار جام جم بازگو کنند.

این نیروها به جام جم می‌گویند: شرکت‌هایی که وارد مقوله حفاظت جنگل شده‌اند، سرمایه خود را تقسیم کرده‌اند و ابزارآلات مورد نیاز را برای حفاظت از جنگل و مرمت جاده‌ها خریده‌اند. بخشی از جاده‌های جنگلی در واقع به جاده دسترسی روستایی تبدیل شده‌اند و به روستاها هم خدمت‌رسانی می‌کنند. از آنجا که این شرکت‌ها بخشی از سرمایه خود را صرف حفاظت می‌کنند در مقایسه با شرکت‌های تولیدکننده محصولات چوبی که همه سرمایه خود را روی تولید متمرکز کرده‌اند، ثروت کمتری دارند. حفاظت جنگل هیچ ارزش افزوده‌ای برای این شرکت‌ها ایجاد نمی‌کند و به همین دلیل چنین شرکت‌هایی در رقابت با شرکت‌هایی که صرفا تولیدکننده مصنوعات چوبی هستند، قدرت رقابت کمتری دارند و همیشه در مناقصه‌ها بازنده هستند. از نگاه آنها واگذاری حفاظت به شرط برگزاری مناقصه، خلاف انصاف است زیرا براساس مصوبه شورای تامین استان، با تغییر سیاست بهره‌برداری از جنگل باید طرح‌های حفاظتی بدون برگزاری مناقصه به شرکت‌های قبلی واگذار می‌شد. این گروه، این شائبه را هم مطرح می‌کنند که شاید پشت پرده‌هایی در جایگزینی پیمانکاران نیروهای حفاظتی وجود داشته باشد.

حافظان جنگل تاکید می‌کنند: نیروی آموزش‌دیده، سرمایه‌ای هستند که به راحتی با تغییر سیاست‌های سازمان جنگل‌ها از دست می‌روند و کسی به ده تا ۱۵ سال انرژی صرف شده توسط شرکت‌ها برای آموزش نیروهای تخصصی جنگل، توجهی ندارد. این نیروها می‌گویند: اغلب پرسنل حفاظت از جنگل شاغل در شرکت‌های مجری طرح‌های جنگلداری، قبلا دامدار بوده‌اند و در قبال خروج دام از جنگل، جذب شرکت‌های مجری طرح شده‌اند و اکثرا دارای سابقه بیش از ۱۰ تا ۱۵ سال هستند. این افراد حاضر نیستند با کارفرمای جدید و حداقل دستمزد همکاری کنند و با توجه به قیمت گوشت، متقاضی برگشت دام به جنگل هستند.

به گفته آنها، با تغییر کارفرمای نیروهای حفاظتی، مشکلات متعددی برای این نیروها ایجاد می‌شود، زیرا با تغییر کارفرما کد کارگاهی تغییر می‌کند و با توجه به سابقه بالای بعضی از نیروهای حفاظتی، آنها با مشکل سختی کار و مزایای سنوات در زمان بازنشستگی مواجه خواهند شد.

به اعتقاد حافظان جنگل، واگذاری تکه‌های کوچك جنگل به پیمانکاران مختلف سبب می‌شود شناسایی متخلفان دشوار شود، زیرا بین شرکت‌های مختلفی که مسؤولیت حفاظت را به‌عهده می‌گیرند، هماهنگی وجود ندارد.

آن‌طور که در قانون تنفس به تصویب رسیده است، سالانه باید ۸۰ میلیارد تومان برای اجرای طرح تنفس به سازمان جنگل‌ها اختصاص یابد، اما نیروهای حفاظتی فعال در طرح‌های بهره‌برداری سابق معتقدند این عدد ثابت پاسخگوی حقوق پرسنلی که سالانه حقوقشان بر مبنای نرخ تورم افزایش می‌یابد نیست و به همین دلیل سازمان جنگل‌ها طی دو سال گذشته، به بهانه‌های مختلف تعداد نیروهای حفاظتی جنگل را کاهش داده و این یعنی چتر حفاظتی جنگل در حال ضعیف شدن است.

زندگی +

جان جنگلبان در خطر است

حافظان جنگل با اشاره به تغییرات چندباره در رویکردهای سازمان جنگل‌ها عنوان می‌کنند، این تغییرات سبب شده آنها دیگر ضابط دادگستری به حساب نیایند، بنابراین اگر در جریان حفاظت از جنگل و درگیر شدن با قاچاقچیان چوب، دچار مشکلی شوند، تمام هزینه‌های این درگیری را باید شخصا تحمل کنند. دو نفر از این نیروها درگذشته دچار مشکل شده‌اند. یکی از آنها به دلیل درگیری با قاچاقچیان به یك سال زندان و پرداخت جریمه نقدی و دیگری به ۱۲۰ میلیون تومان دیه به خاطر استفاده از اسلحه در مواجهه با قاچاقچی شمشاد محکوم شده است. به باور این نیروها، با توجه به تغییرات شرایط اقلیمی در ایران، نمی‌توان از عملیات حفاظت فنی و بیولوژیك در جنگل‌ها غافل شد. اجرای این عملیات هم هزینه‌بردار است و دولت باید برای تامین این هزینه‌ها فکری کند. ضمن آن‌که از هزینه‌های حفاظت فیزیکی هم نمی‌توان غافل شد. آن‌طور که آنها برآورد می‌کنند برای حقوق کارگران جنگل صد میلیارد تومان اعتبار و برای عملیات حفاظت فنی و بیولوژیك نیز صد میلیارد تومان اعتبار دیگر بدون در نظر گرفتن هزینه مرمت جاده‌ها نیاز است که دولت باید در برنامه‌های سالانه به آن توجه کند. حافظان جنگل تاکید می‌کنند وجود طرح جنگلداری یك چتر حفاظتی برای نگهداشت عرصه جنگل به حساب می‌آمد. فقط کسانی می‌توانستند عرصه‌های تحت پوشش طرح‌های جنگلداری را تصرف کنند که نفوذ بالایی داشتند، اما حالا با حذف عنوان طرح جنگلداری، راه برای کسانی که چشم طمع به جنگل دارند باز شده است.

نقل و انتقال جنگلبانان

با وجود تبعات اجتماعی دخل و تصرف در ساختار حفاظتی جنگل، گویا کسی به فکر نیروی انسانی ماهر و آشنا به تمام چم و خم جنگل نیست. نیروهایی که اگر بیکار شوند، از ترس فقر می‌توانند به راحتی به بهترین قاچاقچی جنگل تبدیل شوند. علی عباس‌نژاد، فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها در گفت‌وگو با جام جم درباره دلایل تصمیم سازمان جنگل‌ها برای عدم تمدید قرارداد نیروهای حفاظتی عنوان می‌کند: بیش از ۲۰۰۰ نیرو در بحث بهره‌برداری کار می‌کردند. سازمان جنگل‌ها برای این‌که این نیروها بیکار نشوند، گفته است در حفاظت انجام وظیفه کنند. این نیروها قبلا زیر نظر یگان نبودند. در حال حاضر که یگان تشکیل شده است و می‌خواهد جنگل را حفاظت کند، باید شرکتی از شرکت‌های واجد صلاحیت در مناقصه شرکت کند و این نیروها پالایش شوند. به این شکل از نیروهای حفاظتی مناسب در چارچوب مقررات خاص استفاده خواهیم کرد.

بخشی از نیروهای حافظ جنگل اعلام کرده‌اند در قبال خروج دام از جنگل به استخدام شرکت‌های بهره‌بردار قبلی درآمده‌اند و حالا به قراردادهای جدید تن نمی‌دهند، فرمانده یگان حفاظت در این‌باره می‌گوید: ما قرار نیست حفاظت را تعطیل کنیم. می‌خواهیم به نیروهای حفاظت انسجام بدهیم. ما از قانون نمی‌خواهیم جلوتر برویم و نمی‌خواهیم از قانون پایین‌تر برویم. شرکتی که می‌آید باید واجد شرایط باشد و بتواند لباس تن نگهبان ما کند.

او درباره مشخصات شرکت واجد شرایط بیان می‌کند: در بحث‌های حفاظتی موسساتی با عنوان موسسات حفاظتی داریم. این شرکت‌ها برای ما کار انجام می‌دهند، اما ما نمی‌خواهیم محدودیت قائل شویم. هر موسسه‌ای که بیاید و توان حفاظت را داشته باشد و شرایط ما را بپذیرد، می‌تواند با ما همکاری کند. فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها مدعی می‌شود که نیروهای قرقبان حاضر در جنگل حقوق کمی می‌گیرند و نیروهای دفتری شرکت‌های بهره‌بردار بین ده تا ۲۰ میلیون تومان حقوق می‌گیرند و تغییر و تحولات برای این نیروها مشکل ایجاد می‌کند.

او به این پرسش که چرا اصرار دارید نیروهای حفاظتی را به یگان منتقل کنید و چرا از ساختارهای قبلی استفاده نمی‌کنید، این‌گونه پاسخ می‌دهد: من به عنوان فرمانده یگانی که در قانون مصوب شده و ستاد کل نیروهای مسلح به آن مجوز داده و ناجا نیرو به این سیستم تزریق کرده است. باید در چارچوب مقررات قانونی فعالیت کنم. اگر وضعیت خوب بود، می‌گفتم همین وضعیت را ادامه دهیم. وضعیت مناسب نیست و کار درست انجام نمی‌شود. ما بیش از ۲۰۰۰ نیرو داریم اگر کارشان را در شرکت‌ها درست انجام می‌دادند شاهد این همه قاچاق چوب و تخریب جنگل نبودیم.

البته عباس‌نژاد درباره این‌که چه بخشی از قاچاق چوب در جنگل‌های دارای طرح که نیمی از سطح جنگل‌های شمال را شامل می‌شود، اطلاعاتی در دست ندارد و گویا اصلا درباره این‌که نیمی از سطح جنگل‌های شمال فاقد نیروهای حفاظتی خصوصی است، اطلاعات خاصی در اختیار ندارد که بتواند به تفکیك درباره میزان تقصیر بخش خصوصی در قاچاق چوب صحبت کند.